

کشف ذخایر عظیم مواد معدنی در افغانستان

(قسمت دوم)

در شماره گذشته جریده گنج درین باره بحث شد که اخیراً مقامات پنتاگون و اداره مرکزی سروی جیولوجیک ایالات متحده امریکا از کشف ذخایر عظیم مواد معدنی در تقریباً تمام جغرافیای افغانستان خبر داده اند که ارزش تخمینی آن نظر به ارزیابی های مقامات امریکایی یک تریلیون دالر و نظر به اظهارات آقای وحیدالله شهرانی وزیر معادن و صنایع کشور تقریباً سه تریلیون دالر میباشد.

در آن شماره وعده داده شده بود که در شماره بعدی در باره مشکلات استخراج معادن و از جمله معدن بزرگ آهن حاجیگک صحبت های خواهد شد. استخراج و پروسس معادن از جمله پروژه های اساسی و زیر بنایی اقتصاد یک مملکت خوانده میشود. در صورتیکه سکتور های دولتی (مخصوصاً) و خصوصی اقتصاد برای احداث زیربنا های مطمئن و مستحکم مانند پروژه های آبگردان، آبیاری، تولید برق، تولید ذغال سنگ، شاهراه ها، تهیه مواد ساختمانی مانند سمنت سیخ گول و غیره و تربیه کدرهای مسلکی کمر همت ببندد، مردم و سایر گروه های فعال صنعتی و تجارتي در کشور میتوانند که از طریق احداث فابریکات و تشبثات درجه دوم، سوم و کوچکز تولیدی و خدماتی گام های بعدی انکشاف اقتصادی- اجتماعی افغانستان را با موفقیت بر می دارند و کشور را در شاهراه ترقی و تعالی بحرکت می اندازد،

در صورتیکه وزارت معادن و صنایع افغانستان بخواهد که از ذخایر موجود مواد معدنی در کشور توسط شرکت های خارجی، داخلی یا ترکیب هر دو و یا خود سکتور دولتی استفاده بعمل آورد، اولاً باید مردم افغانستان را متقاعد بسازند که وزارت دریک موقف کاملاً ملی قرار دارد و هر نوع واگذاری معدن به سکتور خصوصی داخلی یا خارجی با صداقت و شفافیت کامل و در مطابقت کامل به نورم ها و سنتد های بین المللی صورت میگیرد و جزئیات قرارداد ها از طریق کنفرانس های مطبوعاتی در معرض دید مردم افغانستان قرار داده شود. تا حال دیده شده که بعضی از معادن احجار کریمه مانند لاجورد و زمرد در پنجشیر و بدخشان کمافی السابق توسط زورگویان محلی، بدون در نظر داشت جوانب فنی تخصصی موضوع بگونه غیر فنی استخراج شده و از مجاری غیر قانونی بخارج قاچاق می شود، دوام این موضوع مردم را نسبت به شفافیت بعضی از سیاست های مصلحتی دولت بی اعتبار ساخته و یا آوازه های از منابع امریکایی بگوش میرسد که وزیر قبلی معادن و صنایع از یک کمپنی چینیایی که برنده داوطلبی معدن مس عینک شده مبلغ ۳۰ میلیون دالر رشوت گرفته است! حال این وظیفه دولت افغانستان است تا مردم را در هر دو مورد فوق الذکر در روشن وضعیت قرار بدهد. چرا معادن قاچاق بی امان سایر مواد معدنی افغانستان مخصوصاً کرومایت از ولایت وردگ و لوگر قطع نمی شود و آیا وزیر اسبق معادن واقعاً رشوت گرفته است یا خیر؟ پاسخ به این چراها و اماها شکوکی را که مردم در مورد اجراءات دولت در مجموع و در مورد معادن بخصوص دارند تا اندازه زیادی رفع خواهد کرد. موجودیت جو عمومی اعتماد مردم بالای ادارات دولتی در مورد تطبیق پروژه های بزرگ اثرات بسیار مهم و ثمر بخش داشته و انجام کارها را قرین به موفقیت میسازد.

بعد از فراهم آوری زمینه های اعتماد و شفاف سازی پروسه و واگذاری معادن، مسأله تربیه عاجل عده ای از انجنیران سابقه دار وزارت معادن و صنایع مطرح میشود. این کار می تواند از همین امروز آغاز گردد. دولت باید بصورت عاجل یک گروپ چهل- پنجاه نفری انجنیران موجود معدن شناس و فارغ التحصیلان ممتاز پوهنتون ها را به یک کشور خارجی اعزام نماید تا تحصیلات خود را در قسمت سروی دقیق تر معادن، واگذاری معادن، عقد قرار دادها، نظارت از قرارداد ها، مسایل حقوقی بین المللی و نظارت از شرایط استخراج و پروسس مواد معدنی تکمیل نموده و مسؤولیت های بزرگتری را بعهده بگیرند. به نظر بنده در صورتیکه وزارت معارف یکی دو لیسه بچیرگانه ولایت وردگ و بامیان را بصورت عاجل به لیسه های مسلکی استخراج معادن تبدیل نماید. این دو وزارت باید دو لیسه فوق الذکر را از نظر مواد علمی معدن شناسی، لابراتوار و کتابخانه در حدی اکمال نمایند که ضرورت شاگردان لیسه های جدید التاسیس وردگ و بامیان را جواب گفته بتوانند. شاگردان ممتاز این لیسه ها بعداً در پوهنتون کابل در بخش های شناخت استخراج و پروسس مواد معدنی تحصیلات خود را ادامه داده در موقعیتی قرار خواهند گرفت که یکمقدار از کارهای را که احتمالاً خارجی ها انجام میدهند، به دوش گرفته و از طریق کار عملی و یا تدریس دوباره در مجامع تحصیلی کشور، نسل های بعدی را به قبول مسؤولیت های بیشتر آماده بسازند.

امنیت برای احداث پروژه های بزرگ و متوسط (وحتی کوچک) یک عنصر فوق العاده مهم و اساسی میباشد. سرمایه داران یک قشر بسیار حساس دنیا هستند. وقتیکه سرمایه دار میخواهد در یک کشور دگر سرمایه گذاری کند، بگمانم که

دوسیه ۲۰-۳۰ ساله آن کشور را ورق میزند تا ببیند که امنیت نزدیکی و روانی آن کشور در کدام سطح قرار دارد؟ وقتیکه يك شخص، دولت یا شرکت بخواهد که چند صد میلیون یا چند بلیون دالر در کشوری مانند افغانستان سرمایه گذاری کند، در قدم اول به مسأله امنیت فکر میکند. سرمایه گذار میخواهد مطمئن شود که سر، مال، زندگی و منافعی وی در افغانستان از هرگونه تجاوز وی قانونی و زورگویی در امان است. این امنیت از امنیت روانی و عمومی مملکت همه را در بر میگیرد. امنیت محل کار وی باید تامین باشد. امنیت شاهره های عمومی و فرعی ای که مواد ساختمانی، ماشینزوی و پرسونل را به ساحه کار انتقال میدهد، امنیت راه هائیکه مواد کمکی و مواد سوختی را به محل کار انتقال میدهد، امنیت راه هائیکه مواد تولیدی را تا بنادر کشور انتقال میدهد، امنیت راه هائیکه پرسونل خارجی و داخلی معدن از آنها رفت و آمد میکنند باید صد فیصد تأمین باشد. امنیت سرمایه گذاری معادن و یا هر پروژه بزرگ دیگر ایجاب میکند تا از این سرمایه دار حفظ شود، اسناد قرار داد وی محفوظ باشد، اسرار بانکی و انتقالات پولی وی مطمئن و بیخطر باشد.

بحث مختصر فوق در مورد امنیت موضوعی است که وزارت معادن و صنایع و کل کشور در مجموع آنرا فوق العاده جدی بگیرد. درست است که معدن آهن حاجیگک فعلاً در وضع خوب امنیتی قرار دارد ولی درین هیچ جای شك وجود ندارد که ولایات هجوار بامیان مانند وردگ، غزنی و راه های مواصلاتی صنعتی به بامیان مانند راه های غوربند و جلریز میدان از امنیت خوبی برخوردار نیستند و ممکن بی امنیتی موجود به بامیان نیز سرایت کند.

مطبوعات داخلی و خارجی ماه جون ۲۰۱۰ را خونین ترین ماه برای سربازان خارجی در افغانستان میدانند. درین ماه مقدار تلفات اعلان شده عساکر خارجی (خاصاً امریکایی و انگلیسی) ۱۰۳ نفر است که در طول نه سال جنگ در افغانستان کاملاً بی سابقه بوده و گواهی از ماه ها و سالهای بدتری میدهد. قرار است که عساکر هالندی مقیم در ارزگان از ماه اگست ۲۰۱۰ به تخلیه آغاز کنند، کشور های استرالیا، پولند و کانادا نیز تحت فشار اذهان عامه داخلی نمیخواهند که ميعاد اقامت شان در افغانستان را تا بی نهایت تمدید نموده و بنا پر شکست های مشهور نظامی، سیاسی و اقتصادی پالیسی های غلط مجبور خواهند بود تا ظرف یکی دو سال آینده از افغانستان خارج شوند. در آنصورت امنیت بیشتر خراب شده و این از مسایلی است که سرمایه گذاران احتمالی داخلی و خارجی آنرا در راس مطالعات شان قرار داده نتایج کار مقدماتی خود را با امنیت بسته خواهند ساخت.

در صورتیکه دولت افغانستان میخواهد که کمپنی های بزرگ و چند ملیتی خارجی را به کار در معادن افغانستان تشویق کند، باید اولاً مسأله امنیت را حل و فصل نماید. تجربه چند سال گذشته و حضور بیشتر از یکصد هزار سرباز خارجی نشان میدهد که جنگ راه حل معضله کشور نبوده و باید به خواست قاطبه مردم افغانستان در باره مذاکره، مفاهمه و دیالوگ بین الافغانی جواب مثبت داده شده و فوراً میکانیزمی جست و جو شود تا شرایط دوام جنگ صنعتی شده و امکان عملی شدن پروژه های بزرگ زیر بنایی فراهم گردد.

یکی از مسایل دگریکه دولت افغانستان باید آنرا در صدر و ظایف خود قرار دهد، مسأله احداث جاده های اسفالت درجه اول و دوم در سراسر کشور و بخصوص در مناطق معدن دار مانند حاجیگک است. باید تمام راه هائیکه به حاجیگک منتهی میشود فوراً اسفالت شوند تا رفت و آمد تیم های سروی و بعداً استخراج و پروسس آسانتر شود. ماهرین اقتصاد باین عقیده هستند که انتقالات بزرگ چند میلیون تری توسط لاری ها مقرون به صرفه نمیشد. اگر قرار است که مواد خام معدن حاجی گک غرض پروسس به خارج صادر شود، اگر قرار است که تصفیه خانه در حاجیگک یا کدام محل نزدیک دگر اعمار گردد و ذغال سنگ مورد ضرورت آن از دره صرف، آشپیته و یا کرکر به حاجیگک انتقال داده شود و اگر مواد تولیدی کارخانه بخارج فرستاده میشود، همه و همه به ترانسپورت ارزانتر ضرورت دارد که همانا خط آهن میباشد. احداث خط آهن سراسری و یا حد اقل در مسیر هائی که قرار است به پروژه های بزرگ مانند حاجیگک و عینک (لوگر) نزدیک باشد از پروژه های بزرگ زیر بنایی اقتصاد ملی کشور محسوب میشود که ایکاش قبلاً به آن پرداخته میشد و حالا افغانستان صاحب چند صد کیلومتر خط آهن میبود!

ناگفته نباید گذاشت که احداث خط آهن در کشوری مانند افغانستان که بیش از ۷۰٪ رقبه آن را کوه ها تشکیل میدهد کار آسان نیست و مشکلات خود را دارد ولی کدام کار غیر ممکن و یا غیر عملی نیز نیست و بسیاری از کشور های دنیا تجربه موفق آنرا دارند و خطوط آهن را در شرایط کوهستانی بودن اراضی اعمار نموده اند.

پروژه های بزرگ مانند حاجیگک و عینک و دگران از جمله پروژه های اند که به برق زیاد نیاز دارد. این برق از روشن ساختن جاده های منتهی به ساحات کار ساحوی معدن، مراحل استخراج و پروسس گرفته تا محلات رهائش معدن همه را در بر میگیرد. ظرفیت تولیدی فعلی افغانستان بسیار پایین بوده و به خانه های مردم برق داده نمیتواند. متخصصین میگویند که افغانستان قدرت تولیدی ۲۳۰۰۰ میگاوات برق را دارد ولی فعلاً تولید ما از ۲۰۰-۳۰۰ میگاوات تجاوز نمی کند و برق از کشورهای همسایه وارد میشود. در صورتیکه دولت افغانستان اراده داشته باشد که دست به احداث پروژه های بزرگ ملی بزند باید فوراً کار چند پروژه آبگردان را در کنر، پنجشیر، پکتیا، کوکچه، کیله گی و غیر جا ها رویدست گرفته و کار ساختمانی پروژه های سلما و بند کمال خان و سرده را تسریع نماید تا

برق تولیدی مطمئن داخلی سرمایه گذاران احتمالی و خارجی را تشویق کند تا در افغانستان کار و سرمایه گذاری کنند.

افغانستان فعلی به اساس داده های اداره بین المللی شفافیت دومین (بعد از سومالی که اصلاً دولت ندارد) و یا پنجمین دولت فاسد دنیا میباشد. تجزیه نه سال گذشته نشان داده که ارمان های بسیار شریفانه یکدهه از سرمایه گذاران داخلی توسط عمال فاسد دولتی با خاک یکسان شده و فضایی بمیان آمده که در آن گفته میشود که در افغانستان کار شده نمی تواند! اگر دولت افغانستان میخواهد که سرمایه گذاران داخلی و مخصوصاً خارجی در افغانستان کار کنند باید امکاناتی را فراهم کند که در آن يك مامور عادی دولت نتواند تمام قوانین کشور را فدای چند هزار یا چند ملیون افغانی رشوت ساخته و زمینه فرار سرمایه گذاران را فراهم آورد! دولت باید طی مراحل مثبت و راجستر شرکتها و موسسات تولیدی و خدماتی، طرز محاسبه مالیات، طی مراحل گمرگی واردات و صادرات مواد ساختمانی، مواد خام، مواد کمکی و ماشینری را بسیار سهل بسازد تا مردم به کار تولیدی و خدماتی علاقمند شوند. به ارتباط سرمایه گذاری های بزرگ به دنیا نشان بدهد که دگر دومین یا پنجمین دولت فاسد دنیا نیست و میتواند که بدون رشوت از سرمایه گذاری داخلی و خارجی پذیرایی نماید و از آن حمایت قانونی بعمل آورد. در صورتیکه دولت سهولت قضای اداری قانونی فراهم نیآورد مطمئن باشد که کسی در افغانستان سرمایه گذاری نخواهد کرد!

طی نه سال گذشته چندین بانک خصوصی در افغانستان تأسیس شد که مردم از طرز کار ایشان راضی بنظر می آیند. این بانکها باید تقویه شوند، حمایت قانونی ازین بانکهای معتبر دنیا به موسسات تولیدی و یا خدماتی مصروف در افغانستان مثلاً پروژه های بزرگ عینک و حاجیگک قرصه بدهند. ضمناً موسسات بیمه باید تقویه شوند تا بتوانند که کار موسسات بزرگ در افغانستان را بیمه نموده و در مواقع ضرورت بدون بیروکراسی به تلافی خساره وارد پرداخته و سرمایه گذاران را از نظر دوام کار شان مطمئن تر سازند.

در صورتیکه مسایل مطرحه در یاد داشت فوق را خلاصه بسازیم ، به این نتیجه میرسیم که در صورتیکه دولت افغانستان خود را از شرم دومین و یا پنجمین دولت فاسد دنیا برهاند، در صورتیکه دولت افغانستان کشور ما را به سرزمین تطبیق قانون مبدل سازد، در صورتیکه جلو فرهنگ مافیا و کلشنیکوف گرفته شود، در صورتیکه بیروکراسی فاسد دولتی دگر سد راه سرمایه گذاری نشود، در صورتیکه جاده ها اعمار شود، برق تولید شود، امنیت فزیک و روانی سرمایه گذاران بالقوه داخلی و خارجی فراهم شود، در صورتیکه زمینه احداث خط آهن میسر شود در صورتیکه بانکها و بیمه ها در حدی تقویت شوند تا خسارات وارده را جبران نموده بتوانند، زمینه برای احداث پروژه های بزرگ مانند ذوب مس عینک لوگر، استخراج و پروسس معدن حاجیگک بامیان، پروژه های تصفیه نفت و گاز شمال و ده ها پروژه دگر ملی فراهم آمده و دولت از بسیاری معضلات جدی فعلی مانند جنگ، بیکاری، نا امن و مهاجرت اتباع رهایی یافته و در انصورت تمام توجه بطرف آینده تابناک مردم افغانستان معطوف شده و بسیاری از مشکلات فعلی مرفوع خواهد شد.

در شماره بعدی گنج در باره رقابت احتمالی کشورهای همسایه و غیر همسایه افغانستان بر سر يك تریلیون و یا سه تریلیون دالر سرمایه زیر زمین کشور بحث را ادامه میدهیم.

ادامه دارد